

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ترجمه و ویرایش از عبری به انگلیسی توسط اسرائیل شاهاک
برگردان: آمادور نویدی
۱۸ اکتوبر ۲۰۲۴

طرح صهیونیست‌ها برای خاورمیانه

(۳)



اسرائیل تئودور هرتسل (۱۹۰۴) و خاخام فیشرمن (۱۹۴۷)

۲۷

در اسرائیل تمایز بین مناطق اشغالی سال ۱۹۶۷، و سرزمین‌های اشغالی قبل از آن، از نوع سال‌های ۱۹۴۸، همیشه برای اعراب بی‌معنی بوده است و امروز هیچ اهمیتی برای ما ندارد. مشکل باید در تمامیت خود بدون هیچ بخشی از سال‌های ۱۹۶۷ دیده شود. این باید روشن شود، که تحت هر شرایط سیاسی یا حلقه نظامی، مشکل اعراب محلی فقط زمانی به وجود می‌آید که موجودیت اسرائیل را در مرزهای امن تا رودخانه اردن و فراتر از آن به رسمیت نشناسند. چراکه نیاز موجودیت ما در این عصر دشوار، وجود عصر هسته‌ای است که ما باید بزودی وارد آن شویم. این دیگر غیرممکن است با سه‌چهارم جمعیت یهودی در خط ساحلی متراکم که در عصر هسته‌ای خیلی خطرناک است، زندگی کرد.

۲۸

پس، پراکندگی جمعیت هدف ستراتیژیک داخلی در بالاترین رتبه است، در غیر این صورت، ما نمی‌توانیم درون هیچ‌کدام از مرزها وجود داشته‌باشیم و ناگزیریم حضور خود را در درون مرزها پایان دهیم. یهودیه (Judea)،

سامره (Samaria)، و جلیله (Galilee)، تنها ضامن موجودیت ملی ما هستند. و اگر ما در مناطق کوهستانی اکثریت نشویم، نمی‌توانیم بر کشور حکومت کنیم و مثل شرکت‌کنندگان در جنگ‌های صلیبی می‌شویم، زیرا که در درجه اول، آن‌ها خارجی بودند، و کشور تسخیر شده را که به هر حال مال آن‌ها نبود، از دست دادند. توازن کشور از نظر جمعیتی، استراتژیک و اقتصادی بالاترین و مهم‌ترین هدف امروز است. نگهداشتن حوزه کوهستان از بن‌رشد (Beersheba) تا بالای جلیله هدف ملی است که حاصل بررسی مهم استراتژیک است و کوهستان‌ها را بخشی از کشور می‌سازد که امروز خالی از یهودیان است. ۱۸

۲۹

تحقق اهداف ما در جبهه شرقی در درجه اول به تحقق این هدف استراتژیک داخلی بستگی دارد. تحول ساختار اقتصادی و سیاسی، به طوری که قادر به تحقق این اهداف استراتژیک شویم، کلید دستیابی به کل تغییرات است. ما باید اقتصاد متمرکز را که دولت به طور گسترده درگیرش است به بازار آزاد تغییر دهیم؛ و همچنین، از وابستگی به مالیات‌دهندگان امریکائی تغییر جهت داده و با دستان خود به توسعه زیرساخت‌های اقتصادی واقعی تولیدی بپردازیم. اگر ما دواطلبانه و به طور آزاد قادر به چنین تغییراتی نباشیم، با تحولات جهان، خصوصاً در زمینه‌های اقتصادی، انرژی و سیاست، با انزوای روبه‌افزایش خود روبه‌رو می‌شویم. ۱۹

۳۰

از نقطه‌نظر نظامی و استراتژیک، غرب به رهبری امریکا قادر به مقابله و فشار جهانی علیه اتحاد جماهیر شوروی در سراسر جهان نیست. و بنابراین، اسرائیل در دهه هشتاد باید به تنهایی، بدون هرگونه کمک خارجی، نظامی و یا اقتصادی بر روی پای خود بایستد، و همین امروز این توان بدون هیچ سازشی در وجود ماست. ۲۰ تغییرات سریع در جهان نیز تغییراتی در شرایط دنیای یهودیت به وجود می‌آورد که اسرائیل نه فقط آخرین چاره، بلکه تنها گزینه موجودیت خواهد بود. ما نمی‌توانیم فرض کنیم که یهودی‌های امریکا، و کشورهای اروپا و امریکای لاتین در شکل کنونی در آینده ادامه وجود خواهند داشت. ۲۱

۳۱

وجود ما در این کشور به‌خودی‌خود واقعیت است، و هیچ نیروئی که بتواند ما را از این‌جا با زور یا با خیانت (به سبک و روش سادات) بردارد وجود ندارد. علی‌رغم مشکلات سیاست اشتباه «صلح» و مشکل اعراب اسرائیل و ساکنان سرزمین‌های دیگر، ما به طور مؤثر می‌توانیم با این مشکلات در آینده قابل پیش‌بینی مقابله‌به‌مثل کنیم.

نتیجه‌گیری:

۱

به منظور درک امکانات قابل توجه و تحقق طرح صهیونیست‌ها برای خاورمیانه باید سه نکته مهم روشن شود و نیز چرا باید این طرح انتشار یابد.

۲

سابقه نظامی طرح

شرایط نظامی این نقشه در بالا ذکر نشده است، اما در موارد زیادی که چیزی شبیه آن در جلسات محرمانه به اعضای مؤسسات اسرائیلی «شرح» داده شده، این نکته روشن شده است و گمان می‌رود که نیروهای نظامی اسرائیل، با تمام شاخه‌های خود، برای انجام عمل اشغال واقعی چنین سرزمین‌های وسیعی که بحث آن در بالا رفت، کافی نباشد. در واقع، حتی در موقع «ناآرامی‌های» شدید فلسطینی‌ها در کرانه باختری، نیروهای ارتش اسرائیل بیش از حد اندازه بسط یافته‌اند. پاسخ به آن حکومت کردن طبق روش «نیروهای حداد» یا «انجمن‌های روستا» (معروف به «لیگ‌های روستا») است! نیروهای محلی تحت «رهبران» کاملاً جدا شده از جامعه، که حتی هیچ ساختار فئودالی یا حزبی هم ندارند؛ (مانند فالانژیست‌ها). «دولت» پیشنهاد شده توسط ینون (Yinon)، «خاک حداد» و «انجمن‌های روستا» هستند، و بدون شک، کاملاً شبیه نیروهای مسلح آن‌ها خواهد بود. به علاوه، برتری نظامی اسرائیل در چنین موقعیتی حتی بسیار بزرگتر از حالا می‌شود، به طوری که هر جنبش شورشی در کرانه باختری و نوار غزه با تحقیر توده‌نی، یا با بمباران و نابودی شهرها، مثل الان لبنان (جون ۱۹۸۲)، یا با هر دو «مجازات» می‌شود. به منظور اطمینان از این طرح، و همان طوری که شفاهاً توضیح داده شد، نیاز به تأسیس پادگان‌های اسرائیلی مجهز به نیروهای مخرب سیال در مکان‌های مهم بین کشورهای کوچک است. در واقع، ما چیزی شبیه به این را در خاک حداد دیده‌ایم و تقریباً به طور قطع بزودی اولین نوع این سیستم و عمل‌کرد را در جنوب لبنان یا در تمام لبنان خواهیم دید.

۳

این کاملاً روشن است که فرض‌های نظامی بالا، و همچنین کل طرح‌ها، حتی بیش‌تر نیز به ادامه نفاق کنونی اعراب، و به فقدان جنبش توده‌نی و واقعاً مترقی در میان آن‌ها بستگی دارد. ممکن است که آن دو شرط فقط زمانی حذف شود که این طرح با عواقب غیرقابل پیش‌بینی، خوب پیش‌رفت کرده باشد.

۴

چرا نیاز به انتشار این مقاله در اسرائیل است؟

دلیل انتشار، طبیعت دوگانه اجتماع یهودی- اسرائیلی است! بزرگترین درجه آزادی و دموکراسی، خصوصاً برای یهودی‌ها، همراهی توسعه‌طلبی و تبعیض نژادپرستانه است. در چنین وضعیتی نخبگان یهودی- اسرائیلی (توده‌ها با تلویزیون و شروع سخن‌رانی) باید متقاعد شوند. اولین مرحله در روش متقاعد کردن، همان‌گونه که ذکر شد، سخن‌رانی‌ست؛ اما زمانی می‌رسد که ناخوش‌آیند است. برای منافع «ترغیب شده‌ها» و «شرح دهنده‌های» احمق‌تر باید دست به کار تهیه نوشته شوند (برای مثال افسران با مقام‌های متوسط، که معمولاً، به طور قابل ملاحظه‌ای احمق هستند) و پس از آن است که آن‌ها کم و بیش «یاد می‌گیرند»، و برای دیگران موعظه می‌کنند. باید اشاره کرد که اسرائیل، و حتی یشو (Yishuv) از دهه بیست، همواره بدین‌صورت عمل کرده است. من خودم بخوبی به‌خاطر می‌آورم که چگونه قبلاً از این‌که در «اپوزیسیون» باشم) ضرورت جنگ برای من و دیگران یکسال قبل از جنگ ۱۹۵۶ شرح داده شد، و در سال‌های ۶۷-۱۹۶۵ لزوم تسلط بر «بقیه فلسطین غربی وقتی که ما این فرصت را داشته باشیم» شرح داده شده بود.

۵

چرا تصور بر این است که در انتشار چنین طرح‌هایی هیچ خطر ویژه‌ای از خارج وجود ندارد؟

تا زمانی که مخالفت اصولی در اسرائیل خیلی ضعیف است (وضعیتی که ممکن است در نتیجه جنگ علیه لبنان تغییر کند)، چنین خطر‌هایی از دو منبع می‌تواند بیاید: دنیای عرب از جمله فلسطینی‌ها و امریکا. دنیای عرب خود را نشان داده است که کاملاً از تجزیه و تحلیل دقیق و منطقی جامعه یهودی- اسرائیلی ناتوان است، و فلسطینی‌ها به طور

میان‌گین، بهتر از بقیه عرب‌ها نیستند. در چنین وضعیتی، حتی آن‌هایی که درباره خطرات توسعه‌طلبی اسرائیل (که به اندازه کافی واقعی هستند) داد و فریاد می‌کنند، نه به خاطر دانش دقیق و واقعی، بلکه به خاطر اعتقاد به اسطوره، این‌کار را می‌کنند. یک نمونه خوب: اعتقاد بسیار قوی در نوشته‌های غیرواقعی بر دیوار کنیسه (Knesset) از آیت‌های انجیل درباره رودخانه‌های نیل (Nile) و فرات (Euphrates) است. مثال مداوم دیگر، بیانیه‌های کاملاً دروغی که توسط بعضی رهبران بسیار مهم عرب ساخته شده‌اند، این است که دو راه‌راه آبی پرچم اسرائیل نماد رودخانه‌های نیل و فرات است؛ در حالی‌که در حقیقت آن راه‌راه‌ها، از شمال (Talit) دعای یهودی‌ها گرفته شده است. متخصصان اسرائیلی تصور می‌کنند که، در مجموع، عرب‌ها به بحث‌های جدی آینده هیچ توجهی نمی‌کنند و جنگ لبنان آن را ثابت کرده است. بنابراین، چرا آن‌ها نباید با روش‌های قدیمی خود جهت متقاعد ساختن اسرائیلی‌ها ادامه دهند؟

۶

حد اقل تاکنون، وضعیت بسیار مشابهی در امریکا وجود دارد. مفسران کم و بیش جدی اطلاعات خود درباره اسرائیل، و بسیاری از عقاید خود را در این باره، از دو منبع می‌گیرند. اولین منبع مقالات مطبوعات «لیبرال» امریکایی است؛ که تقریباً به طور کامل به وسیله تحسین‌کنندگان اسرائیل نوشته شده، که حتی اگر آن‌ها منتقد بعضی از جنبه‌های دولت اسرائیل هستند، وفادارانه عمل می‌کنند؛ چیزی که ستالین آن را «انتقاد سازنده» نامید. (در واقع، آن‌هایی که در میان آن‌ها نیز ادعای «ضدستالینی» می‌کنند در واقعیت ستالینست‌تر از ستالین هستند، و اسرائیل خدای آن‌هاست که هنوز شکست نخورده است). در چارچوب چنین انتقاد فرقه‌ای باید تصور کرد که اسرائیل همواره «نیت‌خوب» دارد و تنها «اشتباه می‌کند»، و بنابراین، چنین طرحی موضوع بحث نخواهد بود. دقیقاً همانند نسل‌کشی که یهودی‌ها مرتکب شده‌اند، ولی مطابق کتاب مقدس ذکر نشده است. منبع دیگر، روزنامه اورشلیم پست (The Jerusalem Post)، سیاست‌های مشابهی دارد. بنابراین، تا زمانی‌که چنین وضعیتی وجود دارد که اسرائیل واقعا یک «جامعه بسته» نسبت به بقیه جهان است و برای این‌که جهان می‌خواهد چشمان خود را بر او ببندد، انتشار و حتی آغاز تحقق چنین طرحی واقعی و میسرشدنی و امکان‌پذیر است.

اسرائیل شاهاک

۱۷ جون، ۱۹۸۲

اورشلیم

درباره مترجم:

اسرائیل شاهاک استاد کیمیای عالی در دانشگاه عبری اورشلیم و رئیس لیگ اسرائیل برای حقوق بشر و مدنی است. او نویسنده مقالات شاهاک، مجموعه مقالات مهم مطبوعات عبری، مقالات متعدد و کتاب‌های غیر یهودی را در دولت یهودی منتشر کرده است. آخرین کتاب او نقش جهانی اسرائیل: سلاح برای سرکوب است که در اگست ۱۹۸۲ منتشر شده است. اسرائیل شاهاک: (۲۰۰۱-۱۹۳۳)

منابع:

۱. کارکنان رشته دانشگاه‌های امریکایی. گزارش شماره ۳۳، ۱۹۷۹. طبق این تحقیق، جمعیت جهان در سال ۲۰۰۰ به ۶ میلیارد نفر خواهد رسید. جمعیت جهان امروز را می‌توان چنین برشمرد: چین، ۹۵۸ میلیون نفر؛ هند، ۶۳۵ میلیون نفر؛ اتحاد جماهیر شوروی، ۲۶۱ میلیون نفر؛ امریکا، ۲۱۸ میلیون نفر؛ اندونزی، ۱۴۰ میلیون نفر؛ برزیل و

ژاپن هرکدام ۱۱۰ میلیون نفر. طبق آمار وجوه جمعیت سازمان ملل برای سال ۱۹۸۰، در سال ۲۰۰۰، پنجاه شهر با جمعیت بیش از ۵ میلیون نفر وجود خواهد داشت. جمعیت جهان سوم؛ ۸۰ درصد جمعیت جهان خواهد بود. طبق نظر جاستین بلک ولدر (Justin Blackwelder)، رئیس دفتر آمار امریکا، جمعیت جهان به دلیل گرسنگی به ۶ میلیارد نخواهد رسید.

۲. سیاست هسته‌ئی شوروی به وسیله دو امریکائی متخصص شوروی: جوزف د. داگلاس (Joseph D. Douglas)، و اموریئا م. هوپیر (Amoretta M. Hoerber)، خلاصه شده است. ستراتیژی شوروی برای جنگ هسته‌ئی، (استنفورد، کالیفرنیا، انتشار هوپیر، ۱۹۷۹). در شوروی ده‌ها و صدها مقاله و کتاب هر سال منتشر می‌شود که جزئیات دکتربین شوروی برای جنگ هسته‌ئی را شرح می‌دهد و مقدار زیادی اسناد و مدارک توسط نیروی هوایی امریکا، از جمله درباره نیروی هوایی امریکا به انگلیسی ترجمه شده است: مارکسیست لنینیست، جنگ و ارتش؛ دیدگاه شوروی، مسکو، ۱۹۷۲؛ نیروی هوایی شوروی، نوشته مارشال گریچگو (Marshal. Grechko)، مسکو، ۱۹۷۵. رویکرد اساسی شوروی به این موضوع در کتاب توسط مارشال سوکولوسکی (Marshal Sokolovsky) ارائه شده که در سال ۱۹۶۲ در مسکو منتشر شده است: مارشال و. د. سوکولوسکی، ستراتیژی ارتش نظامی، دکتربین و مفاهیم و شوروی (نیویورک، پریگر، ۱۹۶۳).

۳. تصویر نیات شوروی در مناطق مختلف جهان را می‌توان از کتاب داگلاس و هوپیر برداشت کرد، همانجا. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: کتاب مایکل مورگان، «مواد معدنی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان سلاح ستراتیژیک در آینده»، دفاع و امور خارجه، واشنگتن، دی. سی، دسامبر ۱۹۷۹.

۴. فرمانده ناوگان سرگئی گورسکوف (Sergei Gorshkov)، قدرت بحری و دولت، لندن، ۱۹۷۹. مورگان، لاک (loc). سیت (cit). جنرال جورج س. براون (George S. Brown)، (نیروی هوایی امریکا) سی-جی سی اس، خطاب به کنگره درباره شکل دفاعی امریکا برای سال مالی ۱۹۷۹، ص. ۱۰۳؛ شورای امنیت ملی، بررسی سیاست سوخت غیر معدنی، (واشنگتن، دی. سی. ۱۹۷۹)؛ درو میدلتون (Drew Middleton)، نیویورک تایمز، (۱۵/۹/۱۹۷۹)؛ تایم، ۲۱/۹/۱۹۸۰.

۵. «پایان امپراتوری عثمانی» از الی کیدوری (Elie Kedourie)، مجله تاریخ معاصر، جلد سوم، شماره ۴، ۱۹۶۸.

۶. النوره، سوریه ۲۰/۱۲/۱۹۷۹، الاهرام، ۳۰/۱۲/۱۹۷۹، البعث، سوریه، ۶/۵/۱۹۷۹. پنجاه و پنج درصد اعراب ۲۰ سال یا جوانتر هستند، ۷۰ درصد اعراب در افریقا زندگی می‌کنند، ۵۵ درصد اعراب زیر ۱۵ سال بیکارند، ۳۳ درصد در مناطق شهری زندگی می‌کنند. اودید نینون، «مشکل جمعیت مصر»، فصل نامه اورشلیم، شماره ۱۵، بهار ۱۹۸۰.

۷. «اعراب ثروتمند و فقیر»، ائی. کانوسکی، فصل نامه اورشلیم، شماره ۱، پائیز ۱۹۷۶، البعث، سوریه، ۶/۵/۱۹۷۹.

۸. اسحاق رابین، نخست وزیر سابق (اسرائیل-م) در کتاب خود گفت که دولت اسرائیل پس از جون ۱۹۶۷، به خاطر دو دلی خود برای آینده سرزمین‌ها (سرزمینهای اشغالی-م) و موضع متناقض خود از زمانی که تأسیس شده و پس زمینه قطعنامه ۲۴۲ (سازمان ملل-م) و مسلماً دوازده سال بعد به خاطر موافقت نامه کمپ دیوید و قرارداد صلح با مصر، در واقع مسؤول طرح سیاست امریکا در خاورمیانه است. طبق گفته رابین، در ۱۹ جون ۱۹۶۷، جانسون، رئیس جمهور امریکا، نامه ای به نخست وزیر آن موقع اسرائیل، اشخول فرستاد/نوشت که هیچ چیز درباره خروج از

سرزمینهای جدید(اشغالی- م) ذکر نکرد، اما در همان روز دولت سرزمین ها را در ازای صلح برگرداند. پس از قطعنامه های عرب در خارطوم(۱/۹/۱۹۶۷)، دولت موضع خود را تغییر داد، اما خلاف تصمیم ۱۹ جون خود، امریکا را از تغییر موضع خود باخبر نساخت و امریکا به حمایت از قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت(سازمان ملل متحد- م) بر مبنای درک پیشین خود که اسرائیل آماده بازگشت سرزمینها(سرزمینهای اشغالی)ست ادامه داد. در آن لحظه دیگر برای تغییر موضع امریکا و سیاست اسرائیل خیلی دیر شده بود. از اینجا راه برای قراردادهای صلح بر مبنای قطعنامه ۲۴۲ و همچنین موافقت کمپ دیوید باز شد. نگاه کنید به اسحاق رابین، پینکاس شیروت، (معاريو ۱۹۷۹) صفحات -۲۲۶-۲۲۷.

۹. پروفیسور موشه اردنز، رئیس کمیته دفاع و خارجه در یک مصاحبه با(معاريو، ۱۰/۳/۱۹۸۰) استدلال کرد که دولت اسرائیل قبل از قرارداد کمپ دیوید در فراهم ساختن یک طرح اقتصادی ناموفق بود و از هزینه توافق نامه شگفت زده شد، اگرچه در جریان مذاکرات قیمت گزاف و خطای جدی در آماده نبودن زمینه اقتصادی برای صلح ممکن بود. وزیر سابق خزانه داری، آقای یگال هولویتز (Yigal Holwitz) اظهار داشت که اگر به خاطر خروج از حوزه های نفتی نبود، اسرائیل می توانست یک تعادل مثبت پرداختی داشته باشد(۱۷/۹/۱۹۸۰). همین شخص دو سال جلوتر گفته بود که دولت اسرائیل(از زمان خروج) طناب دار را بر گردن خود گذاشت. او موافقت کمپ دیوید اشاره می کرد(هآرتص، ۳/۱۱/۱۹۷۸). در تمام دوران مذاکرات صلح نه با یک متخصص نه با یک مشاور اقتصادی مذاکره نشد، و خود نخست وزیر، که فاقد دانش و تخصص در اقتصاد است، در یک اقدام خطا/اشتباه، از امریکا تقاضای وام به جای کمک مالی کرد، تا تمایل خود برای احترام ما و احترام امریکا نسبت به ما حفظ شود. (نگاه کنید به هآرتص ۵/۱/۱۹۷۹). اورشلیم پست ۷/۹/۱۹۷۹. پروفیسور آسف رازین، مشاور قبلی در وزارت خزانه داری، بشدت انجام مذاکرات را مورد انتقاد قرار داد؛ هآرتص، ۵/۵/۱۹۷۹. معاریو ۷/۹/۱۹۷۸. برای موضوع مربوط به مناطق نفتی و بحران انرژی اسرائیل، به مصاحبه ایتان ایزنبرگ، مشاور دولت در این زمینه، معاریو هفتگی، ۱۲/۱۲/۱۹۷۸ مراجعه نمائید. وزیرو انرژی، که شخصاً موافقتنامه کمپ دیوید و تخلیه سده الما(Sdeh Alma) را امضاء کرد، از آنزمان شرایط جدی ما را از نقطه نظر عرضه نفت بیش از یکبار تأکید کرده است... مراجعه کنید به نیدویت اهرونوت(Yediot Ahronot)، ۲۰/۷/۱۹۷۹. حتی موادی(Modai) وزیر انرژی تصدیق کرد که دولت با او در تمام موضوعات نفت در زمان مذاکرات کمپ دیوید و قصر پذیرائی بلر(Blair House) مشاوره نکرده است. هآرتص، ۲۲/۸/۱۹۷۹.

۱۰. بسیاری منابع بر رشد بودجه تسلیحات و اولویت به مقاصد ارتش در مصر و در زمان صلح نسبت به نیازهای داخلی که بنا به گفته ای صلح به دست آمد، گزارش می دهند. مصاحبه نخست وزیر ممدوح سلام را در ۱۸/۱۲/۱۹۷، مصاحبه وزیر خزانه داری عابد ال سید در ۲۵/۷/۱۹۷۸، و روزنامه الاخبار ۲/۱۲/۱۹۷۸ را ببینید که به طور آشکار بر بودجه نظامی تأکید دارد که علی رغم صلح، اولین اولویت است. این آن چیزی است که نخست وزیر مصطفی خلیل در سند برنامه کابینه خود اعلام کرده که تقدیم به پارلمان شده است. ۲۵/۱۱/۱۹۷۸. ترجمه انگلیسی آن را در ICA, FBIS, ۲۷ نومبر ۱۹۷۸ صفحات د ۱ تا ۱۰ ببینید. طبق این منابع، بودجه مصر بین سال مالی ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸، ده درصد افزایش یافته است، و این روند هنوز ادامه دارد. یک منبع سعودی فاش ساخت که مصر در نظر دارد بودجه نظامی خود را تا ۱۰۰ درصد در دو سال آینده افزایش دهد؛ هآرتص، ۱۲/۲/۱۹۷۹ و اورشلیم پست، ۱۴/۱/۱۹۷۹.

۱۱. بسیاری از اقتصاد دانان تخمین می زنند که توانائی مصر برای بازسازی اقتصاد خود تا سال ۱۹۸۲ در شک و تردید است. نگاه کنید به واحد اطلاعات اقتصادی، مکمل ۱۹۷۸، «جمهوری عربی مصر»، ائی کانوسکی، «تخولات اقتصادی اخیر درخاورمیانه»، روزنامه های گاه به گاه/ گاه نامه ها، مؤسسه شیلوا (Shiloah)، جون ۱۹۷۷، کانوسکی؛ «اقتصاد مصر از اواسط شصت، بخشمایکرو»، گاه نامه ها، جون ۱۹۷۸؛ روبرت مک نامارا، رئیس بانک جهانی، همان طور که در تایم، لندن گزارش شده است ۲۴/۱/۱۹۷۸.
۱۲. نگاه کنید به مقایسه تحقیق برای مؤسسه مطالعات ستراتیژیک در لندن، و پژوهش در مرکز مطالعات ستراتیژیک دانشگاه تل آویو، و همینطور تحقیق دانشمند انگلیسی، دنیس چاپلین، نقد و بررسی نظامی، نومبر، ۱۹۷۹، آی اس اس: توازن نظامی ۱۹۸۰-۱۹۷۹، سی اس اس؛ ترتیبات امنیتی در سینا... توسط جنرال تیپ (بازنشسته)، ا. شالیو، شماره ۳/۰ سی اس اس؛ توازن نظامی و گزینه های نظامی پس از توافقنامه صلح با مصر، توسط جنرال تیپ (بازنشسته)، وای. راویو، شماره ۴، دسمبر ۱۹۷۸، و تعداد بسیاری گزارشات خبری از جمله الحوادث، لندن، ۷/۳/۱۹۸۰؛ الوطن العربی، پاریس، ۱۴/۱۲/۱۹۷۹.
۱۳. در ارتباط با آشوب ذهبی در مصر بین قبطی ها و مسلمانان نگاه کنید به مجموعه ای از مقالات منتشر شده در روزنامه کویتی، القیس، ۱۵/۸۹/۱۹۸۰. گزارش در مورد شکاف بین مسلمانان و قبطی ها، نویسنده انگلیسی آیرین بیسون، گاردین، لندن، ۶/۱۹۸۰/۲۴ و دسموند استوارت، خاور میانه انترناسیونال، لندن، ۶/۶/۱۹۸۰. برای گزارشات دیگر نگاه کنید به پامیلا آن اسمیت، گاردین، لندن، ۲۴/۱۲/۱۹۷۹؛ کریستین ساینس مونتیتور ۲۷/۱۲/۱۹۷۹ و همچنین دستور، لندن، ۱۵/۱۰/۱۹۷۹؛ الکفاه العربی، ۱۵/۱۰/۱۹۷۹.
۱۴. روزنامه عربی خدمات، بیروت، ۱۳/۸/۱۹۸۰-۶. جمهوری نو، ۱۶/۸/۱۹۸۰، دیر اشپیگل، که توسط هآرتص ذکر شده، ۲۱/۳/۱۹۸۰، و ۳۰/۴/۱۹۸۰ و ۵/۵/۱۹۸۰؛ اکونومیست، ۲۲/۳/۱۹۸۰؛ روبرت فیسک، تایمز، لندن، ۲۶/۳/۱۹۸۰؛ الزورت جونز، ساندی تایمز، ۳۰/۳/۱۹۸۰.
۱۵. جی پی. پیرونسل هیوگز، لوموند، پاریس ۲۸/۴/۱۹۸۰؛ دکتر عباس کلیدر، نقد و بررسی خاور میانه، تابستان ۱۹۷۹؛ بررسی مناقشات، آی اس اس، ژوئیه ۱۹۷۵؛ آندریاس کولسچیتز، دیرزیت، (هآرتص، ۲۱/۹/۱۹۷۹) گزارش اقتصاد خارجی، ۱۰/۱۰/۱۹۷۹، امور آسیا آفریقا، لندن، ژوئیه ۱۹۷۹.
۱۶. «مشکلات کشورهای ثروتمند عرب»، آرنولد هوتینگر، بررسی و نقد کتاب نیویورک، ۱۵/۵/۱۹۸۰؛ روزنامه عربی خدمات، بیروت، ۲۵/۶/۱۹۸۰ و ۲/۷/۱۹۸۰؛ اخبار امریکا و گزارش جهانی، ۵/۱۱/۱۹۷۹ و همچنین الاهرام، ۹/۱/۱۹۷۹؛ النهار العربی ولدولی، پاریس ۷/۹/۱۹۷۹؛ دیوید هاخام، نقد و بررسی ماهانه، آی دی اف، ژانویه و فوریه ۱۹۷۹.
۱۷. برای سیاست ها و مشکلات اردن نگاه کنید به النهار العربی ولدولی، ۳۰/۴/۱۹۷۹، ۲/۷/۱۹۷۹؛ پروفیسور الی کیدوری، معاریو ۸/۶/۱۹۷۹؛ الوطن العربی ۲۸/۱۱/۱۹۷۹؛ القیس، ۱۹/۱۱/۱۹۷۹. برای موضع ارتش رهائی بخش فلسطین نگاه کنید به: قطعنامه چهارمین کنگره فتح، دمشق، اوت ۱۹۸۰. بر نامه شغالمر عرب های اسرائیلی توسط هآرتس در ۲۴/۹/۱۹۸۰ و همچنین توسط گزارشات مطبوعات عربی در ۱۸/۶/۱۹۸۰ منتشر شد. برای صحت اعداد و ارقام مهاجرت اعراب به اردن، نگاه کنید به آموس بن ورید، هآرتص، ۱۶/۲/۱۹۷۷؛ یوسف زویریل، معاریف ۱۲/۱/۱۹۸۰. همچنین به موضع سازمان آزادیبخش فلسطین نسبت به اسرائیل نگاه کنید به شالوم قازیت، نقد و بررسی ماهانه؛ ژوئیه ۱۹۸۰؛ هانی الحسن در مصاحبه با الرای الام، کویت ۱۵/۴/۱۹۸۰؛ آوی پلاسکوف، «مشکلات فلسطینی ها»، بقاء، آی اس اس، لندن ژانویه و فوریه ۱۹۷۸؛ دیوید گاترنان، «اسطوره/افسانه فلسطین»،

تفسیر، اکتبر ۱۹۷۵؛ برنارد لوئیس، «فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین»، تفسیر ژانویه ۱۹۷۵؛ صبح دوشنبه، بیروت، ۱۸-۲۱/۸/۱۹۸۰؛ مجله مطالعات فلسطین، زمستان ۱۹۸۰.

۱۸. پروفیسور یوآل نیمن، سامره- «اساس امنیت اسرائیل»، معارخوت ص ۱۷۳-۲۷۲، مه/ژوئن ۱۹۸۰؛ یاکوف حسدائی، «صلح، روش و حق دانستن»، داور حشاوا، ۲۳/۲/۱۹۸۰. اهارون یاریو، «عمق ستراتیژیک- چشم انداز اسرائیلی»، معارخوت ص ۲۷۱-۲۷۰، اکتبر ۱۹۷۹؛ اسحاق رابین، «مشکلات دفاع اسرائیل در دهه هشتاد»، معارخوت، اکتبر ۱۹۷۹.

۱۹. عزرا زوهر، در انبر رژیم (شیکمونا، ۱۹۷۴)؛ موتی هاینریش، آیا ما شانسی داریم، اسرائیل، حقیقت در برابر افسانه (رشافیم ۲ ۱۹۸۱).

۲۰. «درس هائی از گذشته»، هنری کسینجر، نقد و بررسی واشنگتن جلد ۱، ژانویه ۱۹۷۸؛ «چالش اوپک در برابر غرب»، آرتور راس، فصلنامه واشنگتن، زمستان ۱۹۸۰؛ «نفت و زوال غرب»، والتر لونی، امور خارجه، تابستان ۱۹۸۰؛ گزارش ویژه- «نیروی نظامی ما آماده است یا نه؟» اخبار امریکا و گزارش جهانی ۱۹۷۷/۱۰/۱۰؛ «تأملاتی بر خطر موجود»، استانی هوفمن، بررسی کتای نیویورک ۶/۳/۱۹۸۰. تایم ۳/۴/۱۹۸۰؛ «توهمات سالت»، لیوپولد لایویدیز، تفسیر سپتامبر ۱۹۷۹؛ «خطر موجود»، نورمن پودهورتز، تفسیر مارس ۱۹۸۰؛ «نفت و قدرت امریکا شش سال بعد»، روبرت تاکر، تفسیر سپتامبر ۱۹۷۹؛ «رها ساختن اسرائیل»، نورمن پودهورتز، تفسیر ژوئیه ۱۹۷۹؛ «برداشت غلط از خاورمیانه»، الی کیدوری، تفسیر ژوئیه ۱۹۷۹.

۲۱. بر طبق آمار منتشر شده توسط یاکوف کاروز، پدیعت اهرنوت، ۱۷/۱۰/۱۹۸۰، تعداد کل حوادث ضد یهودی ثبت شده در جهان در سال ۱۹۷۹ دوبرابر مقدار ثبت شده در سال ۱۹۷۸ بود. حوادث ضد یهودی در آلمان، فرانسه، و انگلستان چند بار بزرگتر از سال ۱۹۷۸ بود. در امریکا نیز افزایش شدیدی در حوادث ضدی یهودی بوده که در مقاله گزارش شده است. برای اطلاعات جدید، نگاه کنید به کتاب/مقاله ل. تالمن، «یهودی ستیزی نو»، جمهوری جدید، ۱۸/۹/۱۹۷۶؛ «چاه ها را مسموم کردند»، بارابارا تاچمن، نیوزویک ۳/۲/۱۹۷۵.